

عصر مفرغ جدید در تپه سگزآباد بر مبنای یافته‌های سفالی

محمد حسین عزیزی خراقتی*، دکتر جمال الدین نیکنامی**، نسرین مرادی***

* معاونت میراث فرهنگی کشور، کارشناس حوزه محوطه‌های تاریخی - فرهنگی.

** استاد گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران.

*** دانش آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه تهران.

چکیده

عصر مفرغ جدید در تپه سگزآباد در اواخر هزاره دوم قبل از میلاد به ناگاه و بدون داشتن ارتباط با فرهنگ‌های قبلی پیش از تاریخی منطقه بروز می‌یابد. سفال‌های تک‌رنگ و چند رنگ (پلی کرم، نوع ارومیه) دست‌ساز، شاخصه‌های فرهنگی این دوره هستند. کاوش‌های آموزشی - پژوهشی گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران در پاییز ۱۳۸۸ در تپه سگزآباد با هدف مطالعه لایه‌های استقرار بخش جنوبی این محوطه به انجام رسید و سه ترانسه ۶، ۷ و ۸ مورد کاوش قرار گرفتند. در ترانسه ۶ آثار فرهنگی ادوار مختلفی از جمله عصر آهن I، دوره مفرغ جدید و دوره مس سنگی جدید یافت شد. در بین این آثار حجم و تراکم سفال‌های دو و چند رنگ دوره مفرغ جدید قابل توجه بود. این نوشتار بر گونه‌شناسی، طبقه‌بندی و معرفی انواع مختلف نقوش این سفال‌ها تمرکز خواهد داشت.

واژگان کلیدی: سگزآباد، دوره مفرغ جدید، سفال تک رنگ، سفال چند رنگ، سفال نوع ارومیه، ماکت سفالی

درآمد

سال ۸۷ مورد مطالعه جدی قرار نگرفته بود و بیشتر کاوش‌های آموزشی گروه باستان‌شناسی در بخش‌های مرکزی یا شمالی این محوطه متمرکز بوده است. در سال ۸۷ ترانسه‌هایی جهت لایه‌نگاری این بخش از محوطه مورد کاوش قرار گرفتند (نیکنامی، ۱۳۸۷) و در ادامه کاوش‌های سال گذشته، در این فصل تصمیم گرفته شد تا مطالعه در این بخش ادامه یابد و بدین منظور سه ترانسه مورد کاوش قرار گرفت. ترانسه‌های ۷ و ۸ کاملاً در حاشیه تپه و در کنار زمین‌های کشاورزی با هدف

با کاوش‌های صورت گرفته در ترانسه ۶ تپه سگزآباد در پاییز ۱۳۸۸ که توسط دانشجویان ورودی ۱۳۸۵ گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران صورت گرفت؛ آثار مختلفی از دوره‌های فرهنگی متفاوت بدست آمد. ترانسه ۶ در بخش جنوبی تپه سگزآباد و در کنار خاک برداری عظیمی که توسط کشاورزان در این بخش صورت گرفته، قرار دارد (نقشه ۱). در تمام سال‌هایی که در تپه سگزآباد کاوش شده، بخش جنوبی آن تا

مسئله‌های مختلف بوجود می‌آید؛ بزرگ‌ترین رودخانه دشت قزوین است که به دریاچه حوض سلطان می‌ریزد (آصف زاده، ۱۳۷۴: ۵).

تپه سگزآباد یکی از سه تپه پیش از تاریخی است که توسط دکتر عزت‌الله نگهبان جهت کاوش‌های آموزشی دانشجویان گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران انتخاب و از سال ۱۳۴۹ تاکنون توسط این گروه مورد کاوش قرار گرفته است. این تپه که در محل با عنوان قره‌تپه شناخته می‌شود در فاصل ۷ کیلومتری شمالی روستای سگزآباد و در بخش جنوبی دشت قزوین واقع شده است. مساحت شناخته شده این محوطه ۱۲ هکتار، بیضی شکل و در راستای شمال شرقی - جنوب غربی قرار دارد. ارتفاع تپه از سطح زمین‌های اطراف حدود ۵ متر و در حدود ۵ متر از ضخامت لایه‌های فرهنگی این محوطه در زیر رسوبات دشت مدفون شده است (نگهبان، ۱۳۵۶). تپه سگزآباد در ۳۵ درجه و ۴۹ دقیقه و ۰۰.۱۵ ثانیه طول شمالی و ۴۷ درجه و ۵۷ دقیقه و ۰۶.۳۹ ثانیه عرض جغرافیایی قرار گرفته است.

متأسفانه تپه سگزآباد یکی از محوطه‌هایی است که به بشدت در اثر کاوش‌های غیر مجاز تخریب شده و شاید به درستی بتوان گفت که امروزه حتی یک متر مربع در این محوطه یافت نمی‌شود که دست نخورده و سالم باشد؛ بصورتی که همان‌طور که در کاوش‌های فصل جاری نیز مشاهده شد؛ در عمق ۵ متری از سطح دشت، ناگهان تونل حفاری قاچاق در کف ترانشه پیدا شود. ملک شه‌میرزادی این حفاری‌های غیرمجاز را که لایه‌ها و آثار فرهنگی تپه سگزآباد را حتی تا عمق ۶ متری از سطح دشت مضطرب و نابود کرده است را چنین توصیف می‌کند: «اکثر این گودال‌ها تا حدود ۶ متر از سطح تپه حفر شده بودند. در برخی موارد این گودال‌های نامنظم به‌وسیله تونل‌هایی به هم ارتباط داده شده‌اند. این تونل‌ها معمولاً در لایه‌هایی که از آن‌ها اشیاء برنزی بیشتری بدست می‌آید؛ دیده می‌شوند. ریزش سقف برخی از این تونل‌ها وضعیت گمراه کننده‌ای به محل داده بود». ظاهراً این کاوش‌های گسترده غیر مجاز پس از زلزله سال ۱۳۴۱ بوئین زهرا و رکود فعالیت‌های کشاورزی و فقر گسترده روستاییان پس از زلزله شدت گرفته و حضور کارشناسان خارجی پس از زلزله در منطقه که خریداران اشیاء عتیقه

لایه‌نگاری به ابعاد ۲×۲ متر مورد کاوش قرار گرفتند. ترانشه ۶ اندکی متمایل به بخش اصلی تپه سگزآباد و در کنار ترانشه ۴ فصل ۱۳۸۷ ایجاد گردید.

هدف اصلی کاوش در ترانشه ۶ شناسایی دقیق توالی لایه‌های فرهنگی ادوار مختلف در این بخش بود (نیکنمی و دیگران، ۱۳۸۸). فصل گذشته ترانشه‌ای لایه‌نگاری در همین محل مورد کاوش قرار گرفته و نشانه‌هایی از حضور فرهنگ مس‌سنگی جدید شناسایی شده بود و به منظور شناسایی بهتر، نیاز به کاوش ترانشه‌های بزرگ‌تر احساس گردید؛ ولی به دلیل خاک‌برداری عظیمی که در این قسمت از محوطه صورت گرفته و همچنین به دلیل تراکم کاوش‌های غیرمجاز، حداکثر ابعادی که برای باز نمودن ترانشه وجود داشت ۵ × ۶ متر بود. ترانشه ۶ در این ابعاد مورد کاوش قرار گرفته و لایه‌های فرهنگی مختلفی مربوط به عصر آهن I، دوره مفرغ جدید و دوره مس سنگی جدید در توالی لایه‌نگاری آن شناسایی شد (تصویر ۱).

کاوش با روش کانتکت و برای نشان دادن تقدم و تأخر کانتکت‌های مختلف از نمودار هریس ماتریکس استفاده شد. در مجموع در این ترانشه ۲۹ کانتکت مختلف (۶۰۰۰ تا ۶۰۲۹) شناسایی گردید. به دلیل حجم عظیم کاوش‌های غیرمجاز، در کانتکت‌های مختلفی از سطح تا عمق سفال‌های نوع مفرغ جدید شناسایی شده که از این میان ۸ کانتکت ۶۰۰۰، ۶۰۰۲، ۶۰۰۶، ۶۰۱۰، ۶۰۱۶، ۶۰۲۲، ۶۰۲۳ و ۶۰۲۴ دارای این‌گونه سفالی هستند و در کل تعداد ۳۰۸ قطعه از آن بدست آمد که این سفال‌ها را می‌توان در دو دسته کلی تک رنگ (۲۷۶ قطعه) و چند رنگ (۳۲ قطعه) تقسیم نمود.

پیشینه پژوهش در تپه سگزآباد

دشت قزوین که در گوشه شمال غربی فلات مرکزی ایران قرار دارد؛ از شمال به دامنه‌های جنوبی کوه‌های البرز، از غرب به ارتفاعات موازی چرگر و از جنوب به ارتفاعات رامند محدود می‌گردد. این دشت از سمت شرق باز و به دشت ساوجبلاغ در محدوده تهران محدود می‌شود (ورجاورند، ۱۳۴۹: ۳). وسعت دشت قزوین ۴۴۳۰۰۰ هکتار است و رودخانه شور که از به هم پیوستن رودخانه‌های کوچک خر رود، حاجی عرب، کردان و

سفالی شناسایی شده است (سرلک و عقیلی نیایک، ۱۳۸۳: ۷۱). سفال‌های چند رنگ هفتون تپه، بهترین نمونه‌های موجود در حوزه دریاچه ارومیه است که پس از پایان فرهنگ یانیق بین ۱۸۰۰ تا ۱۵۰۰ ق.م قرار دارند (Edwards, 1981:40 & 101). حضور این سنت سفال‌گری در زاگرس مرکزی کاملاً مشخص نیست چرا که به جز تپه گودین، حفاریات انجام شده در تپه گیان و جمشیدیه و محوطه‌های اطراف آن قابل اطمینان نیست. در گودین III₂ همزمان با ۱۸۵۰ تا ۱۶۰۰ ق.م گونه‌هایی از سفال تک‌رنگ شناسایی شده است (Henrickson, 1986). سنت تولید و استفاده از سفال‌های چند رنگ و دورنگ در حدود ۱۶۰۰ ق.م به فلات مرکزی و منطقه دشت قزوین نفوذ کرد. این در حالی است که تاکنون در قسمت‌های شرقی فلات ایران گزارشی از این گونه سفالی ارائه نشده است (طلایی، ۱۳۸۷: ۱۴۱)، اما در مطالعات جدید صورت گرفته که در زیر بدان‌ها خواهیم پرداخت؛ شواهد و مدارک فراوانی از سنت سفال‌های دو و چندرنگ به تازگی شناسایی شده است. این دوره حساس سرانجام با بروز تحولات عمده‌ای در اغلب محوطه‌های مذکور مواجه می‌گردد که با متروک شدن محوطه‌های شمال شرقی ایران همچون تپه حصار در ۱۶۰۰ و ۱۷۰۰ ق.م شروع می‌شود (Dyson, 1973). در گودین III (۱۵۰۰ ق.م) سنت ساخت سفال منقوش منسوخ می‌گردد و این در حالی است که قطعاتی از سفال‌های خاکستری شمال شرقی در لایه‌های مربوط به عصر مفرغ جدید در گودین، موید وجود حلقه‌های ارتباطی بین شرق و غرب ایران در لایه III₂ گودین است (Henrickson, 1986).

سفال‌های منقوش در حسنلوی V (عصر آهن I) منسوخ شد و سفال خاکستری براق آهن I و سفال‌های نخودی ساده جایگزین آن شد (Young, 1969: 179). این وضعیت در هفتون تپه به گونه‌ای دیگر است چرا که ۸۰٪ سفال‌های منقوش دوره VI (عصر مفرغ متأخر) در دوره V (عصر آهن I) ادامه می‌یابد و استقرار عصر آهن I بدون فاصله زمانی قابل مشاهده در ادامه عصر مفرغ جدید (هفتون VI) قرار دارد (طلایی، ۱۳۸۴: ۲۴) و در معماری این دو دوره هفتون تغییرات چندانی دیده نمی‌شود (مقدم، ۱۳۷۶: ۲). این در حالی است که در تپه سگرآباد نیز پس

محسوب می‌گردیده‌اند؛ به این کاوش‌ها دامن زده است (ملک شه‌میرزادی، ۱۳۵۶: ۲۱). همان‌طور که در بالا اشاره گردید با توجه به حجم عظیم کاوش‌های غیرمجاز در تپه سگرآباد، بافت لایه‌های فرهنگی این محوطه به شدت مضطرب شده و سفال‌های دوره‌های گوناگون این محوطه از لایه سطحی تا لایه‌های تحتانی دیده می‌شوند و این امر ارائه گاهنگاری مقایسه‌ای و نسبی برای این محوطه را بسیار دشوار می‌نماید. اولین حفاری باستان‌شناسی تپه سگرآباد در سال ۱۳۴۷ توسط آقای امیر ماهانی رئیس وقت اداره فرهنگ و هنر قزوین صورت گرفت. ایشان در دو ترانشه کاوش نموده و در آن‌ها آثاری از جنس طلا و مهره‌هایی از جنس سنگ آهک بدست آورده، ولی متأسفانه از این کاوش‌ها هیچ گزارشی ارائه نشده است. پس از آن گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران در مرداد ماه سال ۱۳۴۹ کاوش‌های باستان‌شناسی خود را در تپه سگرآباد آغاز می‌نماید و این کاوش‌ها هر ساله تا سال ۱۳۵۶ ادامه می‌یابد که سرپرستی این کاوش‌ها به عهده دکتر نگهبان بوده است (نقشینه، ۱۳۷۵: ۲۱). پس از انقلاب کاوش‌های باستان‌شناسی در تپه سگرآباد تا سال ۱۳۷۶ بمدت ۲۰ سال متوقف شد. در سال‌های ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷ حسن طلایی بمدت ۲ فصل حفاری‌های گسترده‌ای را در تپه سگرآباد انجام دادند. دوباره کاوش‌های این محوطه تا سال ۱۳۸۷ بمدت ۱۰ سال متوقف شد. در این سال کاوش‌های جدیدی با هدف ارائه گاهنگاری مطلق انجام شد. در این کاوش‌ها در بخش‌های مختلف تپه سگرآباد ۵ ترانشه به ابعاد ۲ × ۲ متر به سرپرستی کمال‌الدین نیکنامی صورت گرفت.

پیشینه مطالعاتی سفال‌های دو و چند رنگ

یکی از یافته‌های با ارزش باستان‌شناسی مربوط به قرون ۱۸ تا ۱۵ ق.م، سفال‌های منقوش تک‌رنگ و چند رنگ است. این گونه سفالی در کیفیت‌ها و کمیت‌های مختلفی از محوطه‌های شاخصی چون هفتون تپه، گوی تپه، دینخواه تپه در حوزه دریاچه ارومیه، گودین تپه و تپه جمشیدیه در زاگرس مرکزی و تپه سگرآباد در فلات مرکزی ایران یافت شده است (مقدم، ۱۳۷۶: ۱). همچنین در کاوش‌هایی که در سال‌های اخیر در محوطه قلی درویش قم صورت گرفته نیز شواهدی از این گونه

سفال‌های منقوش مفرغ جدید بدست آمده از کاوش‌های سال ۱۳۸۸ تپه سگزآباد را می‌توان در دو گروه کلی طبقه‌بندی کرد. تفاوتی در فرم، نقش و یا ویژگی‌های سفالی دوگونه مختلف وجود ندارد. این دو گروه سفال شامل سفال‌های تک‌رنگ^۱ (شکل ۱) و چندرنگ^۲ (شکل ۲ و شکل رنگی ۱) هستند. سفال‌های چند رنگ بدست آمده از سگزآباد را با نام سفال نوع ارومیه نیز می‌شناسند (طلایی، ۱۳۸۷: ۱۴۰). بهترین نمونه‌های سفال نوع ارومیه از کاوش‌های هفتون تپه (Burney, 1970: 193-194; 1972: 197; 1973: 202; 1975: 209 & 215) بدست آمده‌اند. دینخواه تپه نیز یکی از محوطه‌هایی است که این گونه سفالی از آن بدست آمده است (روبینسون، ۱۳۸۸: ۲۰۴-۲۰۳). از لایه‌های مفرغ جدید قلی درویش نیز انواع گوناگون سفال‌های چند رنگ شناسایی شده است (سرلک، ۱۳۸۹: ۳۱۶-۳۱۵-۲۸۸-۲۸۱-۲۸۰). حضور گسترده این گونه سفالی در بخش‌های شمال غرب، غرب و فلات مرکزی ایران در اواخر هزاره دوم نشان‌دهنده ارتباطات فرهنگی گسترده در حوزه نفوذ این فرهنگ است.

تمامی این سفال‌ها دست‌ساز، دارای آمیزه عموماً معدنی (شن نسبتاً درشت)، حرارت ناکافی (تصویر ۳ و تصویر رنگی ۴)، دارای نقوش هندسی و تنها یک مورد نقش حیوانی، ضخامت متوسط^۳ و خشن^۴ هستند. در سفال‌های تک رنگ نقوش سیاه یا قهوه‌ای رنگ بر روی زمینه قرمز اخراپی یا کرم ایجاد شده‌اند و در نمونه‌های چند رنگ نیز بیشتر رنگ زمینه متفاوت و شامل دو یا چند رنگ قرمز اخراپی پرننگ، کرم و یا قهوه‌ای کم رنگی است که نقوش سیاه بر روی آن‌ها نقش شده است. در بیشتر موارد در ترسیم نقوش دقت چندانی نشده ولی در نمونه‌هایی نیز نقوش بسیار پیچیده و پرکار هستند.

نقوش هندسی بیشتر شامل باندهای موازی باریک یا کلفتی است که بر روی لبه، بخش میانی و گاهی موارد بخش تحتانی سفال ایجاد شده‌اند که خطوط زیگزاگی در میان آن‌ها نشان داده شده

از اتمام دوره مفرغ جدید و آغاز عصر آهن، درصد استفاده از سفال‌های دو و چند رنگ به شدت کاهش می‌یابد ولی استفاده از این گونه سفالی همچنان در دوره بعد ادامه می‌یابد (طلایی، ۱۳۸۷: ۱۴۳).

محوطه قلی درویش در نزدیکی قم نیز یکی از محوطه‌های کلیدی دوره مفرغ جدید و عصر آهن در فلات مرکزی ایران است. سرپرست کاوش‌های باستان‌شناختی محوطه قلی درویش معتقد است که: «محوطه قلی درویش یکی از معدود محوطه‌های عصر برنز و آهن I ایران بشمار می‌آید که در آن توالی استقرار، بدون خلاء و گسست فرهنگی از عصر برنز جدید به عصر آهن در آن دیده می‌شود» (سرلک، ۱۳۸۹: ۶). بنابر نتایج منتشر شده از کاوش‌های محوطه قلی درویش نظریه گسست فرهنگی بین فرهنگ‌های اواخر عصر مفرغ و آغاز عصر آهن در فلات مرکزی ایران به چالش جدی کشیده شده و حتی دوره گذر از عصر مفرغ جدید به آهن I نیز تشخیص داده شده که ضخامت این لایه‌های فرهنگی این دوره گذار ۱۲۰ سانتی‌متر ذکر شده است (سرلک، ۱۳۸۹: ۸۹).

سفال‌های دو و چند رنگ حاصل از کاوش سال ۱۳۸۸

همان‌گونه که در مقدمه نیز ذکر گردید از کاوش‌هایی که در ترانسه ۶ تپه سگزآباد صورت گرفت از ۸ کانتکست مختلف این گونه سفالی بدست آمد. این سفال‌ها در کل ۶٪ مجموع سفال‌های این ترانسه را در بر می‌گیرند و تعداد کلی آن‌ها ۳۰۸ قطعه است. البته لازم به ذکر است که بخش‌هایی از سفال‌های قرمز ساده نیز مربوط به دوره مفرغ جدید هستند ولی در این مقاله صرفاً بر روی سفال‌های منقوش تکیه شده است (تصویر ۲ و تصویر رنگی ۳).

تعداد سفال‌های تک‌رنگ در کل ۲۷۶ قطعه است که از ۷ کانتکست ۶۰۰۰، ۶۰۰۲، ۶۰۰۶، ۶۰۱۰، ۶۰۲۲، ۶۰۲۳ و ۶۰۲۴ بدست آمده‌اند و در کل ۵٪ کل سفال‌های ترانسه ۶ را به خود اختصاص داده‌اند (نمودار ۱)؛ اما تعداد سفال‌های چند رنگ بسیار اندک است و در کل تعداد ۳۲ قطعه از این سفال‌ها از چهار کانتکست ۶۰۰۰، ۶۰۱۰، ۶۰۱۶ و ۶۰۲۳ شناسایی شده است (نمودار ۱).

1- monochrome

2- polychrome

۳- ضخامت بین ۷ تا ۱۲ میلیمتر

۴- ضخامت بیشتر از ۱۲ میلیمتر

کف‌های دکمه‌ای نیز بدست آمده که تقریباً همگی آن‌ها در مجموعه ظروف تک رنگ جای دارند. استفاده از ظروف سه پایه نیز در این دوره رواج داشته و دو نمونه آن در مجموعه سفال‌های چند رنگ قرار دارند. پایه‌ها اندکی از کف بلندتر هستند و بدین صورت کف ساده ظرف بر روی زمین قرار نمی‌گیرد و فاصله اندکی بین زمین و کف ظرف دیده می‌شود. فنجان‌های کوچک دسته‌دار و ظروف مینیاتوری کوچک نیز در مجموعه سفالی بچشم می‌خورند. استفاده از دسته نیز علاوه بر فنجان‌های کوچک در ظروف کوزه مانند با دهانه گشاد نیز دیده شده است.

ماکت سفالی

یکی از یافته‌های ویژه سفالی که در کاوش‌های باستان‌شناختی صورت گرفته در ترانشه ۶ در سال ۱۳۸۸ بدست آمد؛ بخش‌هایی از ماکنی سفالی است از جنس و رنگ سفال‌های تک رنگ نوع مفرغ جدید است. این اثر از کانتکتست ۶۰۱۰ بدست آمده و با شماره ۶۰۸۱ ثبت شده است. ماکت مذکور دارای تزیینات ساده هندسی بصورت خطوط نسبتاً پهن سیاه رنگ مورب و متقاطع است و با توجه به آنچه از آن باقی مانده، احتمالاً فرم کلی آن بصورت مکعب مستطیل بوده که بر روی دیواره‌های آن با ایجاد فضای خالی و بریدن بخش‌هایی به اثر حالت مشبک داده شده است. بر روی یکی از گوشه‌های آن که باقی مانده، تزیینی بصورت سر حیوانی دیده می‌شود که دارای گوش‌های بلند و آویزانی است. چشمان این حیوان کاملاً مشخص و بر روی گردن آن نیز گردن‌بندی با تزیینات هندسی ساده دیده می‌شود. پوزه و صورت آن نیز بصورت تیزی نشان داده شده است. تشخیص گونه حیوان مقدور نیست. وزن این اثر ۷/۲۲۱ گرم، طول آن ۱۲۱، عرض ۷۳ و ضخامت آن ۹ میلی‌متر و رنگ آن بر اساس جدول مانسل 2.5 Y 8/3 pale Yellow است (تصویر ۵ و تصویر رنگی ۶).

نمونه‌ای تقریباً مشابه از کاوش‌های سال‌های گذشته در تپه سگرآباد به دست آمده که در موزه موسسه باستان‌شناسی دانشگاه تهران نگهداری می‌شود. این یافته با عنوان ماکت سفالی مربوط به عصر آهن I معرفی شده است. ولی نمونه بدست آمده

است. در بسیاری از موارد بخصوص بر روی بخش داخلی لبه ظرف، خطوطی عمودی و مایل بصورت موازی به سمت بخش تحتانی ترسیم شده ولی اندازه‌های آن‌ها یکی نیست و از کوچک به بزرگ نشان داده شده‌اند. از نقوش مثلثی و لوزی شکل که با خطوطی بخش‌های درونی آن‌ها کاملاً بصورت خطوطی متقاطع پر شده است نیز برای تزیین بخش خارجی سفال‌ها بهره گرفته شده و در مواردی نیز خطوط موازی در زیر باندهای موازی افقی لبه، دیده می‌شود. بطور کلی نقش غالب بر روی سفال‌های مفرغ جدید سگرآباد انواع خطوط موازی و متقاطعی هستند که در بسیاری از موارد ترکیبی از دو نقش با هم استفاده شده و نقوش هندسی پیچیده‌ای را تشکیل داده‌اند. یکی دیگر از نقوش جالب توجه استفاده از خطوط مارپیچ است که بر روی بخش خارجی برخی از قطعات سفالی دیده می‌شود. نقش ستاره نیز در کادرهایی از مربع‌هایی با اضلاع خشن در داخل ظرف طراحی شده است. نقش حیوانی بطور کلی بصورت بسیار محدودی و تنها در فرم‌های خاصی در گستره فرهنگی این نوع سفال دیده می‌شود و در مجموعه سفال‌های مفرغ جدید سگرآباد نیز تنها نمونه نقش حیوانی بدست آمده که ردیفی از پرندگان هستند که از چپ به راست بر بخش خارجی لبه قطعه سفالی تک رنگ، زیر باندهای ضخیم موازی افقی لبه ظرف در داخل کادرهایی مربع شکل ترسیم شده است (شکل ۳).

یکی از ویژگی‌های تزیینی شناخته شده در پوشش سفال‌های چندرنگ در تپه سگرآباد همان‌گونه که طلایی نیز اشاره کرده است؛ استفاده از دو پوشش متفاوت در تزیین سفال است. بدین‌گونه که اول بخش‌هایی از لبه و بدنه ظروف را با یک پوشش معمولاً قهوه‌ای تزیین و سپس بر روی این پوشش نقش‌های مورد نظر را با رنگ سیاه نقاشی می‌کردند (تصویر ۴ و تصویر رنگی ۵). از این روش با عنوان شیوه تزیینی «دو پوشش» یاد می‌شود (طلایی، ۱۳۸۷: ۱۴۱).

فرم‌های رایج این دوره بیشتر ظروفی کوچک با لبه‌هایی ساده و برگشته به بیرون است که شامل انواع کاسه‌ها و کوزه‌های کوچک می‌شود. کاسه‌هایی با لبه ساده نیز بچشم می‌خورند. عموماً ظروف دارای کف ساده‌ای هستند ولی نمونه‌هایی از

تخریب حاصل از حفاری‌های غیر مجاز، تیم کاوش موفق به شناسایی معماری این دوره در ترانشه ۶ نگردید ولی حضور فراوان گونه‌های سفالی شاخص این دوره نشان‌دهنده استقرار طولانی مدت این فرهنگ در تپه سگزآباد است. نتایج کاوش‌های جدیدی که در فلات مرکزی ایران بخصوص در محوطه قلی درویش صورت گرفته دیدگاه‌های باستان‌شناسی در مورد گذر از دوره مفرغ به عصر آهن را بکلی دگرگون نموده است. متأسفانه به دلیل تخریب تپه سگزآباد مخصوصاً در بخشی که ترانشه ۶ در آن قرار داشت؛ امکان شناخت چگونگی گذر بین این دو دوره وجود نداشت اما یافته‌های قلی درویش نشان‌دهنده تداوم فرهنگی و بروز تحولات درون‌زا در گذار از دوره مفرغ به عصر آهن هستند.

وجود سفال‌های شاخص پلی کرم (نوع ارومیه) و سفال‌های تک رنگ که از یک سو کاملاً قابل مقایسه با محوطه‌های شاخص شمال غرب ایران از قبیل هفتون تپه، دینخواه تپه و غیره هستند و از سوی دیگر شباهت کامل آن‌ها با نمونه‌های بدست آمده از قلی درویش در قم، نشان‌دهنده تبادلات فرهنگی و روابط اقتصادی گسترده فرامنطقه‌ای در این دوره در فلات مرکزی، غرب و شمال غرب ایران است.

در کاوش سال ۱۳۸۸ از ترانشه ۶ با توجه به مجموعه سفالی بدست آمده، مربوط به دوره مفرغ متأخر است و نمونه‌های سفالی بسیار شاخص این دوره در کنار اثر مذکور یافت شده است. متأسفانه به دلیل عدم معرفی و شناخت این گونه یافته‌ها ارائه کاربری آن‌ها نیز بسیار دشوار است. نمونه دیگری از بخش کوچکی از شی سفالی که دارای تزئینی برجسته به شکل سر انسانی است از کاوش‌های دینخواه تپه بدست آمده که با عنوان پلاکی از جنس گل پخته مربوط به قرون ۱۷ و ۱۶ قبل از میلاد معرفی شده (ماسکارالا، ۱۳۸۸: ۴۶، شکل ۲۰) که از نظر زمانی کاملاً با نمونه سگزآباد قابل مقایسه است.

برآیند

کاوش‌های باستان‌شناختی صورت گرفته در دو فصل گذشته یعنی در سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ در تایید نظرات گذشته، نشان داد که سفال‌های دوره مفرغ جدید تپه سگزآباد با ویژگی‌های خاص خویش به ناگاه و بدون داشتن ارتباط گاهنگاری و لایه‌نگاری با فرهنگ قبل از خود (فرهنگ تازه شناخته شده دوره مس سنگی متأخر در تپه سگزآباد) در اواخر هزاره دوم قبل از میلاد ظهور و بروز می‌یابند. متأسفانه به دلیل حجم بالای

منابع

الف) فارسی

سرلک، سیامک و عقیلی نیاک، شیرین، ۱۳۸۳، گزارش لایه نگاری محوطه قلی درویش جمکران قم، گزارش‌های باستان‌شناسی ۳، پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).

ملک شهیرزاد، صادق، ۱۳۵۶، گزارش مقدماتی فصل اول و دوم حفاری تپه سگزآباد (سال‌های ۱۳۴۹ و ۱۳۵۰)، مجله مارلیک، شماره ۲، صص ۹۸-۸۱.

طلایی، حسن، ۱۳۸۴، سفالگری در عصر آهن (حدود ۱۱۰۰-۱۳۵۰ پ - م) تپه هفتون، دشت سلماس، حوزه دریاچه ارومیه - مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، دوره ۲، شماره ۱۷۳، صص: ۴۲-۲۱.

آصف زاده، محمد باقر، ۱۳۷۴، قزوین در گذرگاه هنر، قزوین، انتشارات بحر العلوم.

رویینسون، کارن، ۱۳۸۸، دینخواه تپه و ظروف ارومیه، در: مجموعه مقالات تمدن دینخواه تپه (اشنویه)، ویراستار: گابریل پیسنونو، ترجمه صمد علیون (خواجه دیزج) و علی صدراپی، ناشر گنجینه هنر، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان آذربایجان غربی، صص: ۱۹۵-۲۰۵.

سرلک، سیامک، ۱۳۸۹، فرهنگ هفت هزار ساله شهر قم (کاوش‌های باستان‌شناختی محوطه قلی درویش جمکران - قم)، انتشارات نقش، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان قم.

طلایی، حسن، ۱۳۸۷، عصر مفرغ ایران، تهران، انتشارات سمت.

نگهبان، عزت الله، ۱۳۵۶، حفاری دشت قزوین، فصل های ۱۳۵۰ و ۱۳۵۱، مجله مارلیک، شماره ۲، صص ۵۲-۳۳.

ماسکارلا، اسکار وایت، ۱۳۸۸، حفاری های دینخواه تپه، فصل ۱۹۶۶، مجموعه مقالات تمدن دینخواه تپه (اشنویه)، ویراستار: گابریل پیسورنو، ترجمه صمد علیون (خواجه دیزج) و علی صدراپی، ناشر گنجینه هنر، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان آذربایجان غربی، صص: ۱۴۹ - ۴۹.

نیکنامی، کمال الدین، ۱۳۸۷، گزارش مقدماتی کاوش های باستان شناختی گروه باستان شناسی دانشگاه تهران در تپه سگزآباد، دشت قزوین، آرشیو کتابخانه گروه باستان شناسی دانشگاه تهران.

_____، فاضلی نشلی، حسن و عزیزی خرائقی، محمدحسین، ۱۳۸۸، گزارش مقدماتی کاوش های باستان شناختی گروه باستان شناسی دانشگاه تهران در تپه سگزآباد، دشت قزوین، آرشیو کتابخانه گروه باستان شناسی دانشگاه تهران.

مقدم، عباس، سال تحصیلی ۱۳۷۶، مطالعه و بررسی سفال های دو رنگ بدست آمده از حفاریات باستان شناسی تپه سگزآباد دشت قزوین، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، گروه باستان شناسی دانشگاه تهران.

ورجاورند، پرویز، ۱۳۴۹، سرزمین قزوین (سابقه تاریخی و آثار باستانی و بناهای تاریخی سرزمین قزوین)، تهران، سلسله انتشارات انجمن آثار ملی، شماره: ۷۴.

نقشینه، امیر صادق، ۱۳۷۵، مطالعه سفال های خاکستری در تپه سگزآباد دشت قزوین و رابطه آن با مهاجرت اقوام آریایی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.

(ب) غیر فارسی

Burney, Ch., 1970, Excavations at Haftvan Tepe, 1968: First Preliminary Report, *IRAN*, Vol. VII, pp.151-171.

_____، 1972, Excavations at Haftvan Tepe, 1969: Second Preliminary Report, *IRAN*, Vol. X, pp.127-142.

_____، 1973, Excavations at Haftvan Tepe, 1971: Third Preliminary Report, *IRAN*, Vol. XI, pp. 153-172.

_____، 1975, Excavations at Haftvan Tepe, 1973: Fourth Preliminary Report, *IRAN*, Vol. XIII, pp. 149-165.

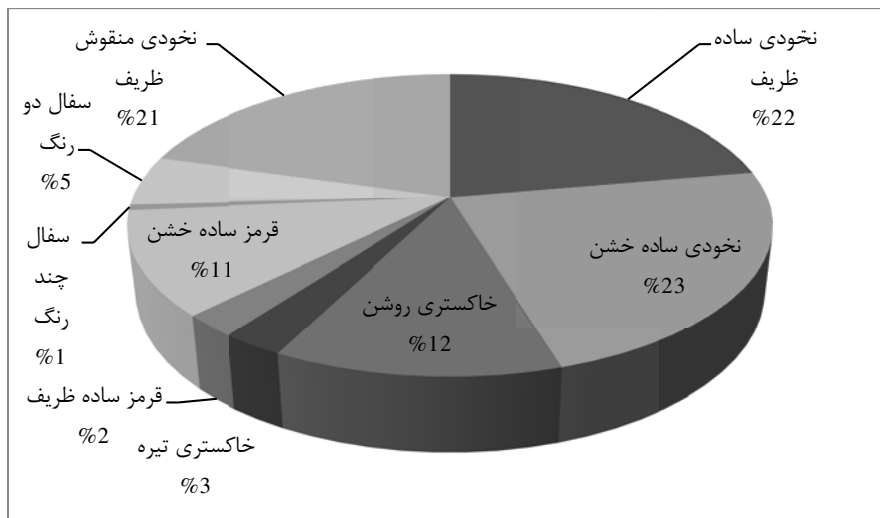
Dyson, R. H. Jr., 1973, The Archaeological Evidence of the Second Millennium B.C. on the Persian Plateau, in I. E. S Edwards *et al.* (eds.), *The Cambridge Ancient History*, Oxford: British Archaeological Reports (BAR), Vol:2, pt. 1, pp. 686-715.

Edwards, M. R, 1981, The Pottery of the Haftvan VIB (Urmia Ware), *IRAN*, Vol. XIX, pp.101-140.

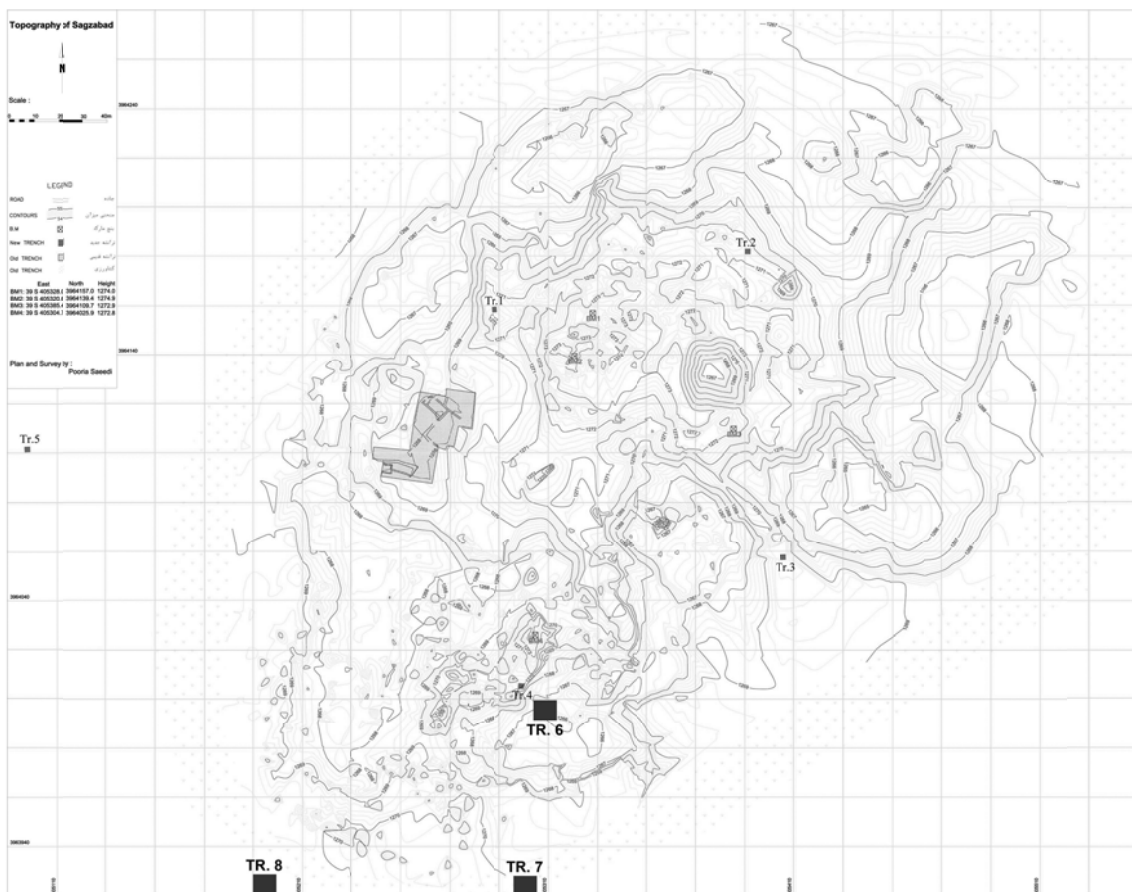
Henrickson, R. C, 1986, A Regional Perspective on Godin III: Cultural Development in Central Western Iran, *IRAN*, Vol. XXIV, pp. 1-57.

Young, T. C. Jr., 1969, *Excavations at Godin Tepe, First Progress Report*, Occasional Paper, No. 17, Royal Ontario Museum.

تصاویر



نمودار ۱: گونه‌های مختلف سفالی شناسایی شده در ترانسه ۶.



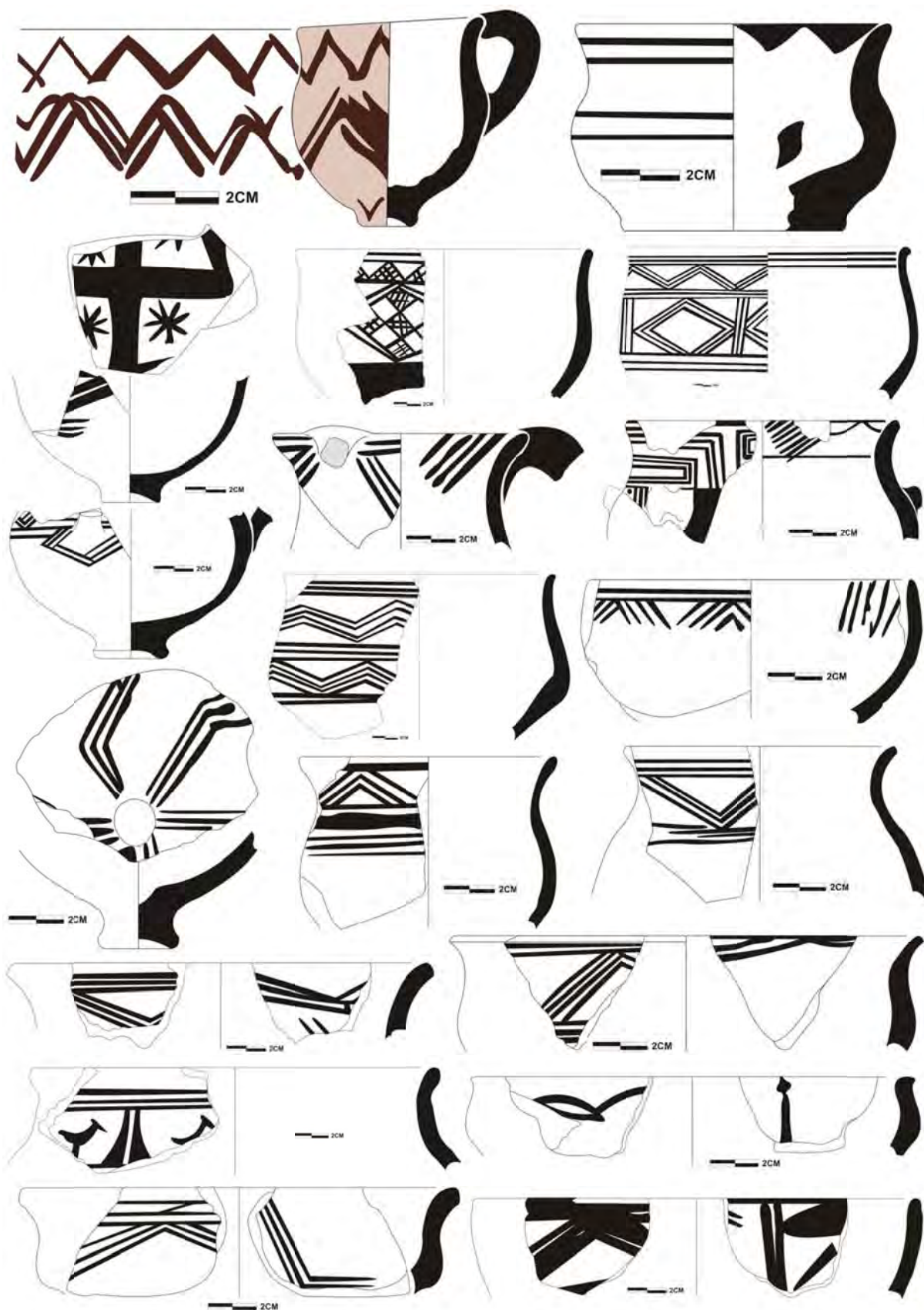
نقشه ۱: توپوگرافی تپه سگزآباد و موقعیت ترانسه‌های کاوش شده در سال ۱۳۸۸.



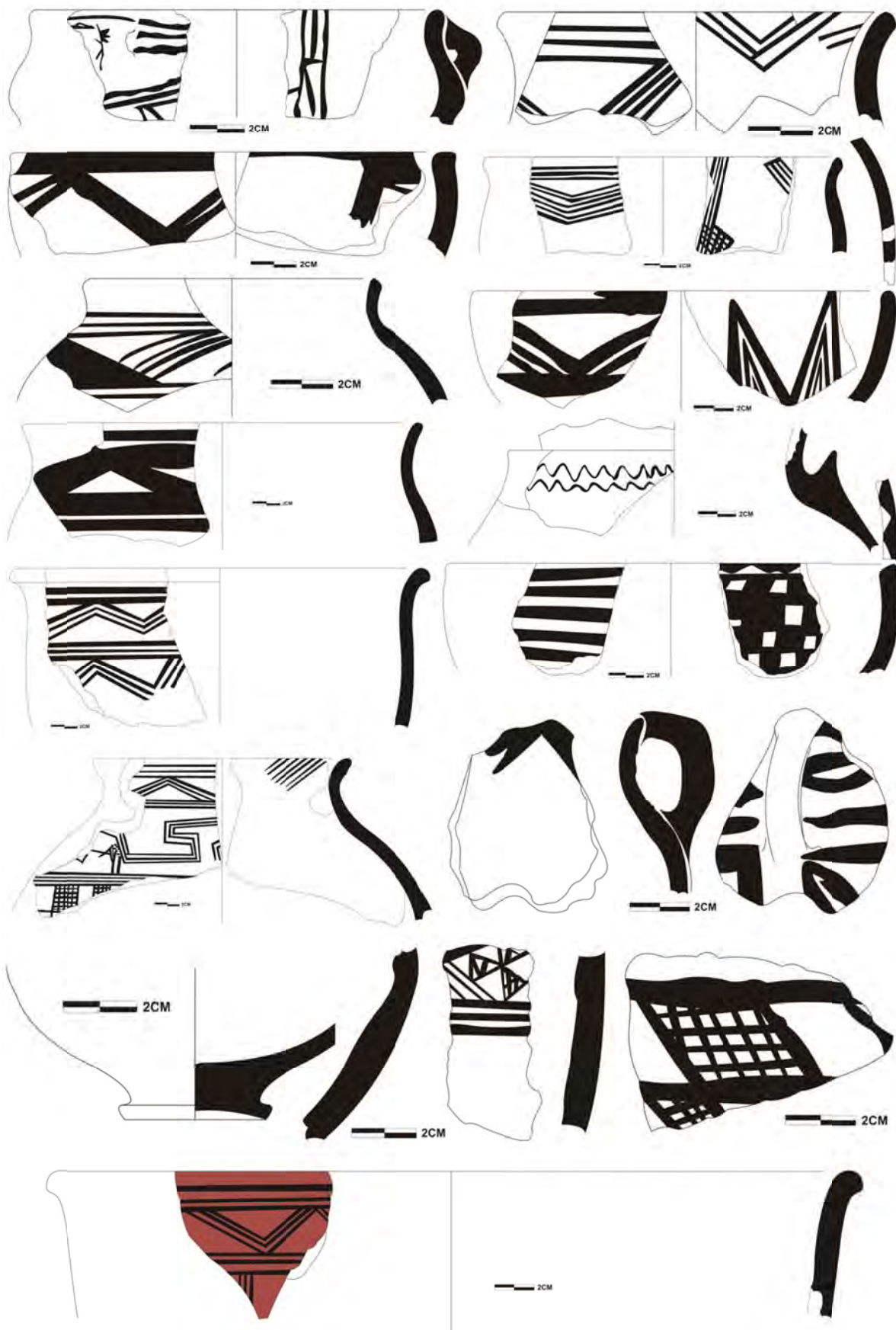
تصویر ۱: نمای کلی ترانشه ۶.



تصویر ۲: نمونه‌هایی از سفال‌های مفرغ جدیدتپه سگرآباد، بدست آمده از کاوش‌های سال ۱۳۸۸.



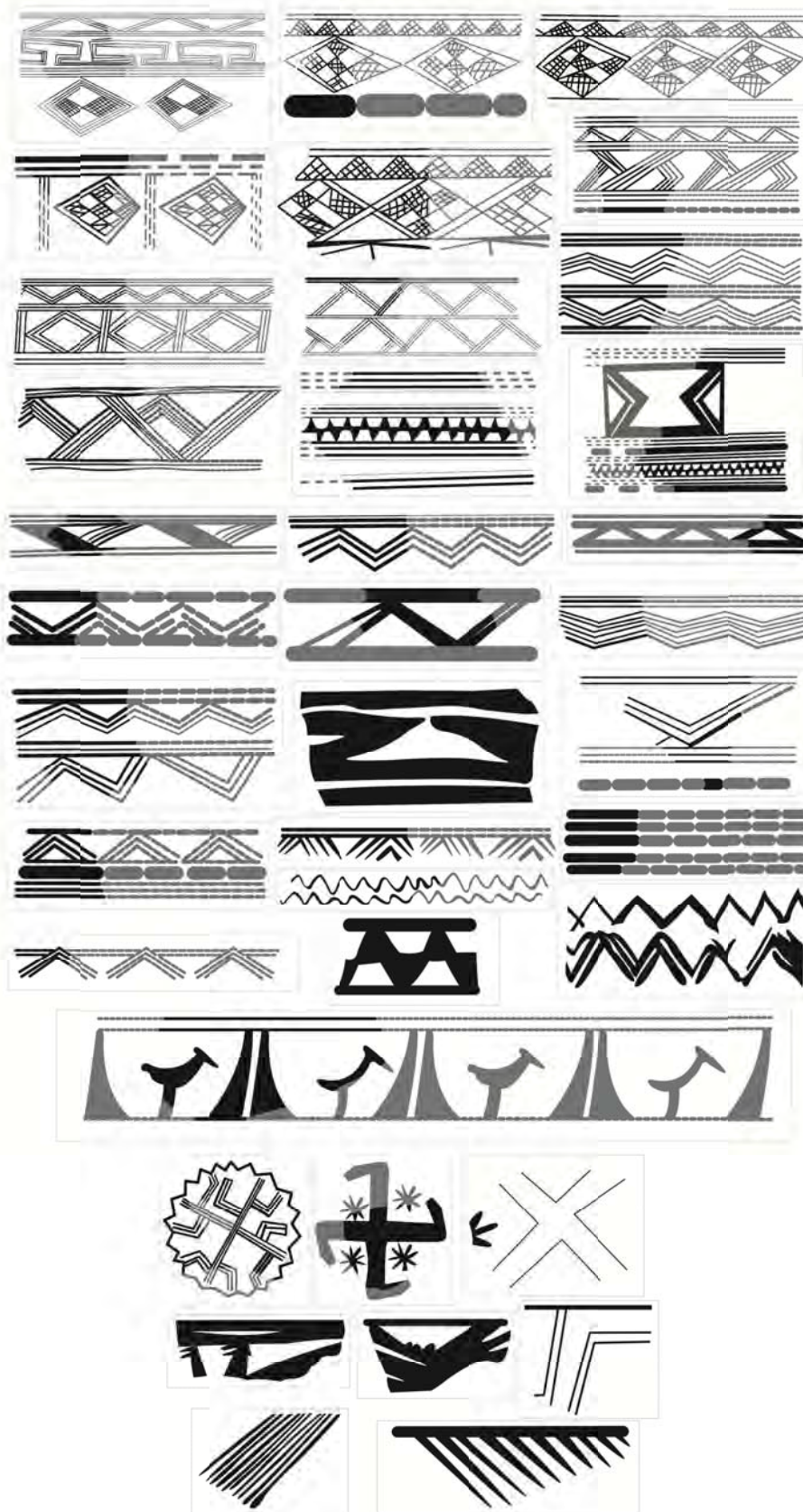
شکل ۱: نمونه‌هایی از طرح‌های سفال‌های تک رنگ.



ادامه شکل ۱: نمونه هایی از طرح های سفال های تک رنگ.



شکل ۲: نمونه هایی از طرح‌های سفال‌های چند رنگ (پلی گرم)

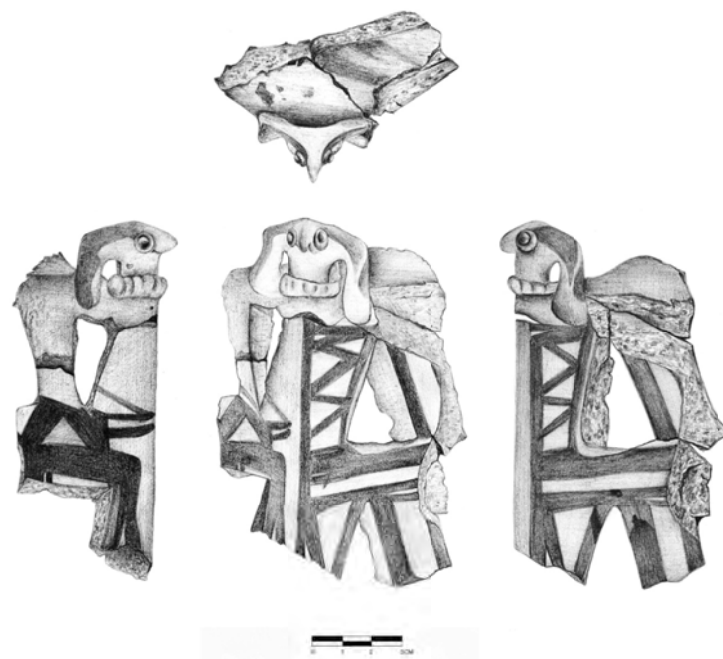


شکل ۳: موتیف‌های شاخص سفال‌های مفرغ جدید تپه سگزا آباد.



تصویر ۴: نمونه‌ای از سفال‌های دو پوشش.

تصویر ۳: مقطع یکی از سفال‌های نوع مفرغ متأخر.



تصویر ۵: تصویر و طرح ماکت سفالی بدست آمده از کاوش‌های سال ۱۳۸۸ تپه سگزآباد در ترانشه ۶.